



تکذیب درگذشت هاشم پور

روز گذشته خبرگزاری فارس خبری مبنی بر درگذشت جمشید هاشم پور در فضای خبری منتشر کرد و برخی از رسانه‌ها نیز بلافاصله این خبر را بازنشر کردند. بعد از گذشت دقایقی اما این خبر از سوی خانواده ایشان و مؤسسه هنرمندان پیشکسوت تکذیب شد. باوجود تکذیب پیایی مؤسسه هنرمندان پیشکسوت و خانواده ایشان، اما بازهم برخی رسانه‌های مجازی خبر درگذشت ایشان را بازنشر می‌کردند. به‌همین دلیل پیرو این خبر جمشید هاشم پور با انتشار استوری در صفحه اینستاگرامش این خبر را تکذیب کرد و نوشت: «سلام به مردم عزیز ایران، اینجانب جمشید هاشم پور در صحت و سلامت هستم. لطفاً به شایعات نشر شده توسط تمام خبرگزاری‌ها توجه نکنید.» جعفر گودرزی، رئیس انجمن منتقدان نیز ضمن تأیید سلامت هاشم پور گفت: «حال ایشان چندان مساعد نیست به‌همین دلیل به مراسم مرحوم رضاصفايي پور نیامد، اما خبر درگذشت آقای هاشم پور صحت ندارد.»



گرامت ۷۰۰ میلیون دلاری گوگل

در پرونده شکایت ایالت‌ها و مصرف‌کنندگان آمریکایی علیه سیاست‌های انحصارطلبانه پلی استور، گوگل حالا اعلام کرده که ۷۰۰ میلیون دلار غرامت پرداخت خواهد کرد تا این پرونده بسته شود. از این رقم ۶۳۰ میلیون دلار به مصرف‌کنندگان و ۷۰ میلیون دلار به صندوق ایالت‌ها خواهد رسید. گوگل در ماه سپتامبر در خصوص شکایت جمعی ایالت‌ها و مصرف‌کنندگان آمریکایی که در سال ۲۰۲۱ ثبت شده بود، به توافق رسید تا این پرونده را خاتمه دهد، اما این شرکت جزئیات این توافق را به‌صورت عمومی منتشر کرد. این شکایت به سیاست‌های انحصارطلبانه پلی استور در دنیای اندروید مربوط می‌شد و تمام ۵۰ ایالت آمریکا در این پرونده حضور داشتند. براساس این توافق، گفته شده که هر مصرف‌کننده واجد شرایط حداقل ۲ دلار غرامت دریافت خواهد کرد. البته اگر پرداختی‌های کاربران در گوگل پلی در حد فاصل ۱۶ اوت ۲۰۱۶ یا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳، رقم بالایی بوده باشد، ممکن است غرامت بیشتری نصیب آن‌ها شود.



«گریستیز» کمتر از پارسال فروخت

گزارش جزئیات فروش سالانه حراجی «گریستیز»، در حالی اعلام شده که فروش کلی این حراجی برجسته در سال ۲۰۲۳ در مقایسه با سال گذشته، با کاهش همراه بوده است. به‌نقل از آرت‌نیوز، مدیر اجرایی حراجی «گریستیز» در کنفرانس مطبوعاتی‌ای که روز دوشنبه برگزار شد، فروش این حراجی در دو بخش هنری و لوکس در سال ۲۰۲۳ را در مجموع ۶/۲ میلیارد دلار اعلام کرد. به این ترتیب با در نظر گرفتن فروش مجموعه هنری متعلق به «پل آلن»، بنیانگذار کمپانی مایکروسافت، کل فروش «گریستیز» در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۵ درصد کمتر از سال ۲۰۲۲ بوده است. با این وجود فروش ۶/۲ میلیارد دلاری امسال رقم قابل توجهی است؛ چراکه این رقم حدود ۷ درصد بیشتر از فروش سال ۲۰۱۹ است. فروش «گریستیز» در سال ۲۰۲۲ حدود ۸/۴ میلیارد دلار گزارش شده بود که البته این رقم رکورد فروش در تاریخچه این حراجی را شکست. براساس گزارش جدید «گریستیز»، حراجی‌های خصوصی در سال ۲۰۲۳ در مقایسه با سال ۲۰۲۲، با ۲۰ درصد افزایش همراه بوده است.

نه انعکاس حنجره

بازخوانی کارنامه ناصر عبداللهی در سالگرد درگذشت او



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

۲۹ آذرماه ۱۳۸۵، ناصر عبداللهی، خواننده مشهور موسیقی پاپ ایران پس از آنکه ۲۶ روز در کما به‌سر برد، درگذشت؛ مرگی زودرس و مشکوک که هنوز است مشخص نیست می‌توان آن را قتل دانست یا نه. فارغ از این پرسش مهم اما بی‌پاسخ‌مانده، کارنامه کاری ناصر عبداللهی اینک پیش روی ماست؛ آواز خوانی که همراه با شکل‌گیری موج نخست موسیقی پاپ ایران در اوایل دهه ۱۳۷۰، برآمد و در عرض چندین سال به یکی از ستون‌های جدی آن بدل شد. مسعود کوثری در کتاب «آرامدی بر موسیقی عامه‌پسند»، از سه گفتمان موسیقی در ایران سخن می‌گوید: موسیقی علمی-غربی (شامل سه خرده‌گفتمان موسیقی غربی، موسیقی ملی و موسیقی ترکیبی)، موسیقی سنتی و موسیقی پاپ. موسیقی سنتی که از اواخر دهه ۱۳۴۰

گفت‌وگو با نیلوفر لاری پور درباره حضور و جایگاه ناصر عبداللهی در موسیقی پاپ ایران

اهل شواف نبود



نمی‌دانم که اگر ناصر امروز زنده بود، چه می‌کرد؟ مانند بسیاری دیگر از خوانندگان آن دوران که خوب هم می‌خواندند، منزوی می‌شد یا نه؟ به‌رحال، نقش کمپانی‌ها مؤثر است اما خود خواننده هم در این مسائل دخیل است؛ حتی در انتخاب شرکتی که می‌خواهد با آن کار کند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مسیر مزخرف فعلی در موسیقی ایران، تهیه‌کننده‌هایی هستند که در انزوا، سکوت و خانه‌نشینی آدم‌های کاربلد، مناسبات را رقم می‌زنند. اینگونه می‌شود که نام‌های بزرگ ترانه‌ده ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ که هنوز حرفی برای گفتن دارند، قریب به یک‌دهه است که چندان اثری تولید نکرده‌اند و فعالیت زیادی ندارند.

ناصر، خواننده پر فروش بود؟

بله، «ناصریا» یکی از پر فروش‌ترین آثار بود. این آلبوم با «مسافر» شادمهر عقیلی پر فروش‌های آن دوران بودند.

سرنوشت آن نسل از خواننده‌های بعد از دوم خرداد، سرنوشت هم‌پاری شد. به‌جز شادمهر که مهاجرت کرد و ناصر که فوت شد؛ بسیاری از آنها از نیمه دوم ۸۰ به بعد کم‌فروغ شدند. مشکل آنها، بحث بازار و فروش بود یا مسائل دیگری در میان بود؟ یا ذائقه‌ها تغییر کرد؟

همه اینها در کنار یکدیگر مؤثر بودند و نمی‌توان یک عامل را در تحلیل این ماجرا مطلق کرد. برخی از این خوانندگان مثل حسین زمان ممنوع‌از کار شدند. زمان خواننده‌ای بود با انتخاب‌هایی خوب، صدایی گرم و مخاطب نیز در همان دوران جذب کرده بود. شادمهر که رفت ناصر نیز که فوت کرد، دیگران هم بعضی انتخاب‌های بد را داشتند. اسم نمی‌آورم ولی بعضی از خوانندگان خوب ما پس از مطرح شدن و کسب شهرت، شروع کردند به خواندن شعر و آهنگ مجانی. اول هم برای‌شان همه‌چیز به‌ظاهر خوب بود، ولی بعد از مدتی ضعف این کارها نمایان شد. این خواننده‌ها متوجه نبودند که شهرت و محبوبیت آنها به خاطر شعر و آهنگ خوب بود، به‌صرفه صورت در دوره‌ای کارهای خوبی که در ایران تولید می‌شد؛ باعث شد موسیقی لس آنجلسی تقریباً محو شود و مردم به موسیقی داخل متمایل شدند. آن موسیقی هم متنوع بود؛ شاد، شش‌وهشت، غمگین، مذهبی و آیینی داشت و سلیقه‌انواع مخاطبان را پوشش می‌داد. شمانگاهی بیاندازید به اسم خواننده‌ها؛ محمداصفهانی، حامی، نیما مسیحا، حسین زمان، شادمهر، علیرضا عصار و...

مدتی بعد اما هم محدودیت‌ها شروع شد، هم برخی خوانندگان رفتند سراغ ترانه و آهنگ مجانی و شد این وضعیتی که الان شاهدیم؛ ابتذال و فاجعه‌ای که امروز گریبان موسیقی ما را گرفته است. از نظر من حتی همین کارهای ساسی‌مانکن که دو سال یکبار می‌آید، بازار را فتح می‌کند و مخاطب را جذب می‌کند؛ تکلیف‌اش با خودش روشن‌تر است زیرا می‌داند چه می‌خواهد و لاقال به آن هدف می‌رسد. کسی فکر نمی‌کند با گوش دادن

نیلوفر لاری پور، شاعر و ترانه‌سرای است که نامش با نسل نخست موسیقی پاپ داخل ایران بعد از انقلاب ۵۷ به خصوص شادمهر عقیلی گره خورده است. بسیاری از طرفداران شادمهر که در آن روزهای آفتابی کاست‌های او می‌خریدند، با نام ترانه‌سرای مواجه می‌شدند که عمده ترانه‌های آلبوم‌های شادمهر را نوشته بود؛ آثاری چون «مسافر»، «روح سبزی»، «هزار و یک شب»، «آسمونی»، «غریبه» و... که در آلبوم‌های «مسافر» و «دهاتی» منتشر می‌شدند. این همکاری بعدها در آلبوم‌های «پر پرواز» و «آدم و حوا» نیز ادامه پیدا کرد. از این‌منظر لاری پور را می‌توان یکی از پرکارترین و مؤثرترین ترانه‌سرایان آن دوره موسیقی ایران دانست؛ فردی که ضمن همکاری با دیگر خوانندگان آن زمان چون سعید شهروز، حمید غلامعلی، حمید خندان، با ناصر عبداللهی نیز در ترانه «راز» همکاری مشترک موفقیت‌آمیزی داشت و این اثر به یکی از محبوب‌ترین ترانه‌های ناصر عبداللهی بدل شد. گفت‌وگو با لاری پور با بحث درباره سلیقه ناصر عبداللهی در انتخاب ترانه و نوع نگاهش به ترانه آغاز شد، اما در ادامه به برخی جریان‌های کلی‌تر حاکم بر روند تولید موسیقی پاپ در ایران و علل و دلایل مهجور ماندن خوانندگان نسل اول در دهه اخیر رسید. در ادامه این گفت‌وگو تقدیم شما خواهد شد.

خیلی خودش بود. عقاید و باورهای متافیزیکی و ماورایی هم داشت و به نقش اعداد، ستاره‌ها و... اعتقاد داشت. البته اینها را برای خودش داشت و با آنها نیز شواف نمی‌کرد. اصلاً در آن دوران هنرمندان شواف بلد نبودند و اگر هم کسی می‌خواست شواف کند؛ امکان چندانی برای آن نداشت

به‌ساسی بتواند دیدگاه عمیقی پیدا کند. این کار ساسی باز بهتر است از اینکه یک کپی دست‌دهم از «آسمونی» شادمهر عقیلی را ارائه بدهیم. چون ساسی ادای کسی را در نمی‌آورد و در ضمن، مدعی هم نیست زیرا چیزی بدتر از این نیست که اثری ادعای فرهیختگی بکند، اما سطحی و مبتذل باشد. در چنین وضعیتی تعداد محدودی خواننده داریم که خوبند ولی تکلیف‌شان روشن است. از بعضی استعدادها خوب ما در گذشته هم این‌روزها خبری نیست. برای نمونه، مه‌ران زاهدی خواننده خیلی خوبی بود و در نخستین کارش که تیتراژ سریال «اولین شب آرامش» بود، «به‌سوی تو» را نخستین بار بعد از کورس سرهنگ‌زاده بازخوانی کرد. آن اجرا با استقبال مخاطب مواجه شد و زاهدی هم صدای فوق‌العاده‌ای داشت. امروز واقعاً نمی‌دانم آن صدا چشمد. من البته ترانه‌ای هم برای او نوشتم که قرار بود تیتراژ سریال «ترگس» بشود که خورد به زدوبندها و... و اصلاً آن سریال بدون ترانه تیتراژ پیش شد. همین ماجرای تیتراژ سریال‌ها نشانه دیگری است از وضعیت امروز ما چون این تیتراژها بعد از اینکه آهنگساز سریال کارش را تمام کرد، به یک نفر فروخته می‌شود. اوایل بسیاری از آهنگسازان اعتراض می‌کردند و می‌گفتند، وقتی آهنگ سریالی را من آهنگساز می‌سازم؛ تیتراژش نیز یا من است، اما نشد. حتی همین شبکه GEM نیز در پایان سریال‌های دوبله‌شده خود، آهنگ اصلی ترکی را حذف می‌کند و ترانه فارسی بر تیتراژ آنها می‌گذارد. اکثر این ترانه‌ها به لغت یزید هم نمی‌ارزند؛ جز برخی از آنها، مثلاً کاری که مریم دلشاد روی سریال «فاطمه گل» نوشت و آوا بهرام خواند.

ناصر چقدر در این حاشیه‌های هنری وارد می‌شد؟ من چیزی از او ندیدم. البته در آن دوران هم این حاشیه‌ها مثل امروز نبود و امکان بروز نداشت. رسانه‌ها نیز مثل امروز حضور نداشتند. کنسرت‌های ناصر اما خیلی جذاب و بسیار متفاوت بودند. او از خواننده‌هایی نبود که بیاید میکروفن را بگیرد و فقط بخواند و برود. شیرین بود و گاهی کارهای جالبی می‌کرد. مثلاً یک‌دفعه وسط یک آهنگ قطع می‌کرد می‌گفت: «با این حال نمی‌کنم.» و ترانه دیگری می‌خواند. اینها البته اقتضای آرتیست بودن است. بالاخره کسی که به کنسرت می‌رود، اگر بخواهد صرفاً آهنگی را بشنود؛ می‌تواند در خانه نوار کاست گوش بدهد. ناصر، آکتور بسیار خوبی روی صحنه بود و شیرینی ذاتی او باعث می‌شد آدم هیچ‌وقت از حضورش خسته نشود. جنوبی و خونگرم بود و فضا را عوض می‌کرد.

به میدان موسیقی آن دوران که نگاه می‌کنیم، ناصر خیلی اورجینال و یگانه به‌نظر می‌رسد؛ نه شبیه کسی است، نه کسی شبیه او شد.

خیلی خودش بود. عقاید و باورهای متافیزیکی و ماورایی هم داشت و به نقش اعداد، ستاره‌ها و... اعتقاد داشت. البته اینها را برای خودش داشت و با آنها نیز شواف نمی‌کرد. اصلاً در آن دوران هنرمندان شواف بلد نبودند و اگر هم کسی می‌خواست شواف کند؛ امکان چندانی برای آن نداشت. شادمهر عقیلی در زمان شهرت و حتی وقتی فیلم «پر پرواز» هم اکران شده بود، اگر در خیابان راه می‌رفت، کسی او را نمی‌شناخت چون رسانه‌ای نبود و تصویرش هم از تلویزیون پخش نمی‌شد. قیقه خواننده‌ها هم همین‌طور بودند. مردم فقط معدودی با بازیگران سریال‌های تلویزیون را که هر شب می‌دیدند، می‌شناختند و حتی بازیگران سینما نیز چندان به چهره شناخته نمی‌شدند. امروزه اما به‌واسطه آنتی‌تری، آرایش و... برخی شهرت پیدا می‌کند و مردم آنها را می‌شناسند. البته در هر دوره‌ای،

